

تحولات غزه از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حمیدرضا دهقانی پوده^۱

چکیده: مقاله ذیل ضمن نگاهی گذرا به سابقه اشغال غزه از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ و اشغال این بخش از سرزمین فلسطین توسط اسرائیل، تحولات اخیر غزه را نیز مطالعه می‌کند. خروج یک‌جانبه رژیم صهیونیستی از غزه در سال ۲۰۰۵ و سپس توافقنامه گذرگاه‌ها، انتخابات شورای قانون‌گذاری، پیروزی حماس، اختلافات فتح و حماس، توافق مکه، تشکیل دولت وحدت ملی، اختلافات مجدد و حاکمیت یکپارچه حماس بر غزه، بسته‌شدن گذرگاه‌ها و محاصره این منطقه مورد بررسی واقع شده است. پس از آن، ادعاها و دلایل سیاسی و حقوقی رژیم صهیونیستی در مورد غزه مورد بررسی قرار گرفته و سپس بر مبنای قواعد حقوق بین‌الملل و به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ارزش این ادعاها ارزیابی و به وظایف اشغالگر در این سرزمین پرداخته شده است. پس از بررسی اقدامات انجام‌شده، پیشنهادهایی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی (جنگ) و قبل از آن (محاصره) مطرح شده است. در این مقاله بر مبنای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پس از اثبات اشغالی بودن این سرزمین با نگاهی گذرا به تعهدات اشغالگر در سرزمین اشغالی، نقض‌های مکرر این تعهدات از سوی رژیم صهیونیستی به‌عنوان جرایم جنگی محسوب شده و مسئولیت مجامع بین‌المللی و کشورهای عضو و غیرعضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو گوشزد شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، مداخله بشردوستانه، معاهدات لاهه، نوار غزه.

۱. حمیدرضا دهقانی پوده رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مروری بر تحولات غزه

در سال ۱۹۴۸ پس از استیلای اسرائیل بر بخش اعظم فلسطین، نوار غزه به دلیل همجواری با مصر توسط این کشور اداره شد؛ این وضعیت ادامه یافت تا سال ۱۹۶۷ که اسرائیل در جنگ ۶ روزه این منطقه را به تصرف در آورد و به عنوان یکی از موضوع های حقوق بشردوستانه در آمد. علاوه بر نیروهای نظامی و امنیتی اسرائیل، حدود ۷ هزار و ۵۰۰ شهرك‌نشین اسرائیلی نیز در این منطقه مستقر شدند.^(۱) در اواسط دهه ۹۰ با امضای توافق‌نامه‌های صلح اسلو، دولت خودگردان فلسطینی بر این منطقه مسلط شد و به تدریج حدود ۶۰ درصد از نوار غزه را در تصرف خود در آورد. در این مقاله پس از مروری بر تحولات غزه تطبیق حقوق بین‌الملل بشردوستانه.^(۲) در این سرزمین و مسئولیت اسرائیل و مراکز بین‌المللی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. حقوق بشردوستانه یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل است و بدنبال آنست که از انسان‌هایی که در جنگ مشارکت نکرده و یا به مشارکت خود پایان داده‌اند، حمایت نموده و دولت‌ها را در به‌کارگیری سلاح‌های جنگی محدود کند.^(۳) مهم‌ترین منابع حقوق بشردوستانه یا حقوق مخاصمات مسلحانه و یا حقوق جنگ،^(۴) کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و معاهدات مصوب ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ لاهه هستند. البته با تدوین پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۷۷ که همزمان دو گونه مقررات را در خود جای دادند، این تفکیک از میان رفت. در مقاله حاضر، عملکرد اسرائیل باتوجه به معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد و طی آن ثابت خواهیم کرد سرزمین غزه همچون کرانه باختری رود اردن همچنان در اشغال است و اسرائیل برطبق کنوانسیون‌های فوق مسئول است. فلسطینی‌ها از حقوق طبیعی خود از جمله حق تعیین سرنوشت.^(۵) محروم شده‌اند.

نوار غزه، باریکه‌ای است در طول سواحل مدیترانه میان اسرائیل و مصر که ۴۰ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر عرض دارد. غزه ۳۶۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در آن سکونت دارند. مرز زمینی غزه ۶۲ کیلومتر است که ۱۱ کیلومتر آن با مصر و ۵۱ کیلومتر آن با سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل است. سواحل غزه هم اهمیت زیادی دارند. طول این سواحل ۴۰ کیلومتر است.

خروج نیروهای نظامی اسرائیلی از درون غزه: شارون نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی در اوایل سال ۲۰۰۴ برنامه خروج یکجانبه از غزه را اعلام کرد و با این اقدام نه تنها اسرائیلی‌ها بلکه جامعه جهانی را حیرت‌زده کرد. «پدر شهرک‌نشینان» به دنبال برچیدن شهرک‌های صهیونیست‌نشین بود. شارون اهداف متعددی را در پوشش این طرح دنبال می‌کرد. این طرح علی‌رغم مخالفت‌های داخلی، با اصرار شارون در اکتبر ۲۰۰۴ با ۶۶ رأی مثبت از مجموع ۱۲۰ رأی به تصویب رسید. عقب‌نشینی از نوار غزه که در آن ۷۵۰۰ شهرک‌نشین زندگی می‌کردند و حمایت و حراست از آنان هزینه‌های سنگین مالی و انسانی را بر دوش اسرائیل گذاشته بود، زمینه را برای بقای این رژیم در کرانه باختری که بیش از ۲۲۰ هزار صهیونیست در آن اسکان یافته‌اند، فراهم می‌کرد. سرانجام در ۲۵ آگوست ۲۰۰۵ نیروهای اسرائیلی پس از ۳۸ سال اشغالگری از غزه خارج شدند و اداره داخلی این منطقه را به فلسطینی‌ها سپردند.^(۶)

پیروزی حماس در انتخابات شورای قانونگذاری: حماس اگر چه در انتخابات ریاست دولت خودگردان شرکت نکرد، اما آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات پارلمان و شوراهای محلی اعلام نمود و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶ نامزدهای منسوب به حماس موفق به کسب ۷۴ کرسی از مجموع ۱۳۲ کرسی پارلمان شدند و جنبش فتح موفق به کسب ۴۵ کرسی گردید. حماس از بدو تأسیس تا قبل از پیروزی در انتخابات پارلمانی مهم‌ترین مخالف وضع موجود در اراضی اشغالی بود؛ ولی با پیروزی غیرمنتظره در انتخابات، نقش حماس تغییر کرد و به نیرویی سیاسی که وظیفه تشکیل دولت، سامان بخشی به اوضاع نابسامان داخلی فلسطین، پایبندی به شعارها و عمل به تعهدات درخصوص مبارزه با ناکارآمدی عناصر دولت گذشته، فساد و رشوه‌خواری را بر عهده دارد، تبدیل شد. موقعیت حماس بیش از آنکه به اهداف، اصول و مبانی فکری اعلام شده حماس در ۱۹۸۷ (لزوم نابودی اسرائیل و نامشروع دانستن دولت یهود) مربوط باشد، نوعی واکنش افکار عمومی فلسطین به نارسایی‌های موجود، افزایش فقر و نهادینه شدن فساد مالی در تشکیلات دولت خودگردان بود. غرب در واکنشی عجولانه، ضمن تجلیل از برگزاری آزاد انتخابات، موضعی در مخالفت با جناح پیروز انتخابات اتخاذ نمود و ضمن تهدید به قطع کمک‌های مالی به دولت خودگردان از حماس خواست نسبت به شناسایی اسرائیل، پایبندی به تعهدات دولت خودگردان و دوری جستن از خشونت

اقدام کند. ایالات متحده، در واکنش به پیروزی حماس موضعی همراه با نگرانی و لزوم خلع سلاح حماس اتخاذ کرد و بر تروریست بودن آن تأکید نمود.^(۷)

توافق نامه گذرگاه‌ها: از میان گذرگاه‌های نوار غزه دو گذرگاه اریز و رفح، از همه مهمتر هستند.^(۸) گذرگاه بیت حانون یا «اریز» معبر اصلی میان غزه و سرزمین‌های اشغالی است. فلسطینی‌ها از سال ۲۰۰۰ نمی‌توانند از طریق هواپیما یا قایق به غزه رفت‌وآمد کنند. بنابراین این گذرگاه به همراه گذرگاه رفح که به مصر می‌رود، تنها راه‌های ورود و خروج برای فلسطینی‌ها به غزه هستند. پیش از شروع انتفاضه در سال ۲۰۰۰ ده‌ها هزار فلسطینی روزانه از این گذرگاه عبور می‌کردند و برای کار به سرزمین‌های اشغالی می‌رفتند. اما این رفت و آمدها اکنون کاملاً محدود شده است. گذرگاه رفح از دیگر مناطق مهم غزه است که در مرز مصر واقع شده است. تا سال ۱۹۶۷ این منطقه به شهر رفح در مصر متصل بود اما بعد از اشغال اسرائیل این دو بخش از هم جدا شدند.^(۹) حریم هوایی و دریایی نوار غزه هم تحت کنترل رژیم صهیونیستی است و فلسطینی‌ها فقط در محدوده‌ای کوچک اجازه ماهیگیری دارند و تنها فرودگاه غزه توسط اسرائیل ویران شده است.^(۱۰) گذرگاه رفح نیز که تنها معبر مسافرت و راه دسترسی ساکنان نوار غزه به کشور مصر و جهان خارج است از ژوئن سال ۲۰۰۷ بسته شده است. چرا که علی‌رغم عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ کنترل این گذرگاه به طور مشترک به عهده مأموران این رژیم و هیأت ناظر اروپایی و فلسطینی‌هاست. حکومت خودگردان و رژیم صهیونیستی به عنوان جزیی از توافقات بین طرفین، در سال ۱۹۹۴ دفاتر هماهنگی نظامی و غیرنظامی مشترکی را در سرزمین‌های اشغالی افتتاح کردند؛ این همکاری ادامه داشت تا سپتامبر ۲۰۰۰ که بخش زیادی از آن متوقف شد ولی پس از مرگ عرفات این روند از سر گرفته شد؛ به دنبال عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵، تشکیلات خودگردان برای بازگشایی گذرگاه رفح، توافق‌نامه‌ای را با اسرائیل به امضا رساند؛ با پیروزی حماس در انتخابات شورای قانون‌گذاری در ژانویه ۲۰۰۶، مجدداً این همکاری محدود شد. در ۲۴ مارس ۲۰۰۶ محمود عباس هیئت ویژه‌ای را برای اشراف بر گذرگاه‌ها انتخاب کرد.^(۱۱) به دنبال اجرای طرح ضربتی حماس در غزه در هفدهم ژوئن ۲۰۰۷، این گذرگاه به طور کامل بسته شد. ولی در دوره ۶ ماهه آتش‌بس یا آرام‌سازی این گذرگاه بعضاً باز بوده است. حماس حاضر به بازگشت به توافق نامه گذرگاه‌ها در سال ۲۰۰۵ نیست و معتقد است

اولاً این توافق به تصویب شورای قانون‌گذاری فلسطین نرسیده و ثانياً برای یک سال موقتی بوده و یک بار بیشتر تمدید نشده و از همه مهمتر در این توافق که در مورد گذرگاه رفح که در مرز بین مصر و فلسطین است، اسرائیل نباید مستقیم یا غیرمستقیم دخالتی بکند و لذا حاضر به پذیرش مجدد آن نیستند. محمد عابد مشاور حقوقی اسماعیل هنیه نخست وزیر دولت منتخب فلسطین تأکید کرد توافق‌نامه گذرگاه رفح، تا زمانی که رای مجلس را به دست نیاورده برای ملت فلسطین الزام‌آور نیست. آنچه درباره گذرگاه رفح صورت گرفته، تفاهم‌نامه است نه قرارداد و اگر عده‌ای آن را قرارداد می‌نامند تاکنون به مجلس قانون‌گذاری فلسطین ارائه نگشته و رأی نمایندگان ملت را به دست نیاورده است. هرگونه قرارداد یا توافق‌نامه جدید درباره گذرگاه‌ها می‌بایست بین دولت منتخب فلسطین و دولت مصر امضا شود مانند توافق‌نامه‌ای که دولت مصر در سال ۱۹۰۵ با دولت عثمانی در اراضی فلسطین امضا کرد نه توافق‌نامه ۲۵ نوامبر سال ۲۰۰۵ که میان تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی امضا شده است؛ ضمن آنکه بر طبق موادی از همان توافق‌نامه تنها یک سال اعتبار داشت و می‌بایست هر شش ماه یک بار تمدید گردد اما هیچ‌گاه تمدید نشده است.^(۱۲)

اختلاف بین حماس و فتح و توافق مکه: پس از درگیری‌ها و کشمکش‌های فراوان، حماس و فتح سرانجام با تشکیل دولت وحدت ملی و تلاش برای اصلاح سازمان آزادی‌بخش فلسطین موافقت کردند.^(۱۳) همچنانکه انتظار می‌رفت دولتی که پس از چند دور درگیری مسلحانه و صرف تلاش‌های طاقت فرسای دیپلماتیک در فلسطین تشکیل شده بود، فرو ریخت. دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیک حماس و فتح در واقع چنان از هم فاصله داشت که از همان ابتدا امیدی به همزیستی مسالمت‌آمیز آنها در چارچوب دولتی مشترک نمی‌رفت و لذا با استعفای قواسمی وزیر کشور، نیروهای تحت امر فتح و حماس پس از چند ماه آتش‌بس، بار دیگر تعرض به مواضع یکدیگر را آغاز کردند و آتش‌بس اعلام شده از سوی محمود عباس و اسماعیل هنیه را نادیده گرفتند.^(۱۴)

تسلط حماس بر غزه: در پی درگیری بین نیروهای فتح و حماس، سرانجام نیروهای حماس، دفاتر و پایگاه‌های وابسته به فتح و رئیس دولت خودگردان در نوار غزه را به کنترل خود در آوردند. محمود عباس اقدام حماس را «کودتا» نامید و ضمن اعلام

حالت فوق‌العاده، دولت وحدت ملی اسماعیل هنیه را منحل اعلام کرد و سلام فیاض را مأمور تشکیل دولت نجات ملی کرد. آمریکا و فرانسه از تصمیم محمود عباس برای انحلال دولت وحدت ملی حمایت کردند و آن را اقدامی قانونی دانستند و اغلب کشورهای جهان از جمله اتحادیه عرب از موضع‌گیری آمریکا و فرانسه تبعیت کردند.^(۱۵)

محاصره غزه: تسلط یافتن جنبش حماس بر نوار غزه موجب تحریم گسترده این منطقه از سوی رژیم صهیونیستی و بستن گذرگاه‌های مرزی آن شد.^(۱۶) این رژیم از اوایل سال ۲۰۰۷ غزه را محاصره کرد و با بستن گذرگاه‌ها و جلوگیری از ورود سوخت و مواد غذایی و دارو، حلقه این محاصره را تنگ‌تر کرد. بان کی مون دبیرکل سازمان ملل محاصره غزه را فاجعه‌بار خواند و ضمن ابراز نگرانی از این اقدام آن را محکوم کرد و پایان آن را خواستار شد. غزه بیش از دو سال در محاصره رژیم اشغالگر قدس بوده است.^(۱۷)

آتش‌بس در غزه: پس از مدت‌ها رایزنی و گفتگو، رژیم صهیونیستی و حماس در مورد برقراری آتش‌بس به توافق رسیده و این آتش‌بس از روز ۳۰ خرداد اجرا شد. در مرحله اول آتش‌بس، درگیری‌ها متوقف شده و قسمت‌هایی از مرز غزه باز شد. مرحله دوم آزاد کردن گل‌عاد شلیت سرباز اسرائیلی در قبال بازگشایی گذرگاه اصلی رفح است که رفتن به مصر را برای فلسطینیان امکان‌پذیر می‌سازد. آتش‌بس از روز ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸، آغاز شد؛ این توافق‌نامه شامل بندهای زیر است: ۱. موافقت با توقف متقابل هرگونه اقدام نظامی از ساعت ۶ صبح روز پنجشنبه. ۲. مدت آتش‌بس طبق توافق گروه‌های فلسطینی شش ماه است. ۳. آتش‌بس با توافق گروه‌های فلسطینی و تحت نظارت مصر اجرا می‌شود. ۴. ظرف ساعاتی پس از آتش‌بس، گذرگاه‌های تجاری به شکل جزئی بازگشایی می‌شود و پس از چند روز همه کالاها از هر نوع و به هر میزان می‌توانند وارد غزه شوند. ۵. مصر تلاش خواهد کرد این آتش‌بس را در آینده به کرانه باختری رود اردن نیز گسترش دهد. ۶. یک هفته بعد از آتش‌بس، مصر میزبان نشست حماس و تشکیلات خودگردان فلسطینی و هیأتی اروپایی به منظور توافق درخصوص بازگشایی گذرگاه رفح خواهد بود. ۷. به اسرای فلسطینی و خانواده‌های آنان اطمینان می‌دهیم که به پیمانی که با آنان بسته‌ایم پایبند هستیم.^(۱۸) آتش‌بس تا ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸ به مدت شش ماه ادامه یافت و در آخرین روز این پیمان، حماس اعلام کرد که با موج تجاوزگری تل‌آویو تمديد چنین پیمانی مایه شرمساری است. اسماعیل رضوان از

رهبران حماس ضمن تأکید بر پایان آتش‌بس اظهار داشت: این آتش‌بس برای فلسطینیان دستاورد منفی داشته است. این آتش‌بس در قبال بازگشایی گذرگاه‌ها و توقف محاصره و تجاوزگری علیه ملت فلسطین و فراگیر شدن آتش‌بس در کرانه باختری رود اردن بوده و هیچ‌یک از این تعهدات اجرا نشده است. در این شش ماه، ۱۸۵ نقض آتش‌بس، ۲۲ شهید، ۵۳ زخمی، ۳۸ بازداشت شده، ۱۵ عملیات هجومی، ۱۱ بار بستن گذرگاه‌ها و ۴۲ عملیات هدف قراردادن قایق‌های ماهیگیران به علاوه ۱۹ مورد هدف قراردادن کشاورزان و ۲۰ حمله هوایی از جمله نقض آتش‌بس‌های دشمن صهیونیستی بوده است.^(۱۹) بدون تردید در شکست این پیمان، اوضاع رقت بار غزه نقش اصلی را دارد زیرا براساس مهم‌ترین مفاد این توافق‌نامه میانجی‌گران مصری و طرف اسرائیلی باید اجازه می‌دادند تا کمک‌های بشردوستانه به منطقه محاصره شده نوار غزه وارد شود اما نه تنها قاهره بدقولی کرد که با شروع مجدد تجاوز اسرائیل به خاک غزه همه پایه‌های اعتماد فلسطینیان به این پیمان فرو ریخت.

حمله و بمباران غزه: جنگنده‌های رژیم صهیونیستی روز شنبه ۸۷/۱۰/۷ صدها نقطه از نوار غزه را هدف بمباران‌های خود قرار دادند. در این عملیات‌ها صدها فلسطینی به شهادت رسیده و چندین برابر نیز مجروح شدند. مقامات اسرائیلی گفته‌اند هدف آنها پایان دادن به قدرت حماس در این منطقه است. شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای خواستار توقف فوری کلیه اقدامات خشونت‌آمیز از سوی همه طرف‌ها شده بود. در این بیانیه که توسط سفیر کرواسی و رئیس دوره‌ای شورای امنیت قرائت شد از همه طرف‌ها خواسته شده بود «عملیات نظامی خود را فوراً متوقف کنند». حمله اسرائیل به غزه با محکومیت سازمان‌های حقوق بشر مواجه شد. به جز امریکا که به صراحت حماس را مسئول فجایع غزه معرفی کرد و گفت تا زمانی که این جنبش خلع سلاح نشود حملات ادامه پیدا خواهد کرد، اکثر مقامات کشورهای جهان با محکوم کردن حملات اسرائیل خواستار توقف فوری آنها شده‌اند. پاپ «بندیکت شانزدهم» در دومین روز، حملات به نوار غزه را محکوم کرد. تعداد زیادی از پایتخت‌های کشورهای جهان شاهد تظاهرات گسترده‌ای در محکومیت اقدامات اسرائیل بودند و تظاهرکنندگان خواستار اقدام عاجل برای توقف حملات اسرائیل به فلسطینی‌ها شدند.^(۲۰)

مروری بر ادعاهای رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی، براساس معیارهای حقوق بین‌الملل، رژیمی «اشغالگر» است؛^(۲۱) این موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد^(۲۲) و دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأکید قرار گرفته است.^(۲۳) دادگاه عالی اسرائیل نیز این موضوع را به رسمیت می‌شناسد.^(۲۴) ولی صهیونیست‌ها با استناد به دلایل نژادی و توسل به تفسیرهای غیرحقوقی همواره به دنبال آن بوده‌اند تا با به رسمیت نشناختن سرزمین‌های اشغالی فلسطین به عنوان «سرزمین اشغالی»، از تعهدات خود بر طبق قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه شانه خالی کنند.^(۲۵) رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از اشغال این سرزمین در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ نسبت به اعمال کنوانسیون در اراضی اشغالی تأکید کرد ولی پس از مدتی از این نظر بازگشت و در اکتبر همان سال اعلام کرد کنوانسیون امکان اعمال دو ژوره بر کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را ندارد.^(۲۶) رژیم صهیونیستی با عدم پذیرش عنوان «اشغالی» برای این اراضی دنبال آنست تا از تعهدات کیان اشغالگر فرار کند. در ادامه به برخی از دلایل این رژیم اشاره می‌شود:

۱. **سرزمین موعود:** اسرائیلی‌ها در ادامه ادعاهای خود معتقدند سرزمین‌های فلسطینی، سرزمین موعود آنان است و لذا این سرزمین‌ها را آزاد کرده‌اند و نه اشغال و نامیدن کرانه باختری به «یهودا و سامره» ناشی از این ادعا است.^(۲۷) در این مورد حقوق‌دانان معتقدند اولاً قطعنامه‌های متعدد مراجع مختلف بین‌المللی که در آن بر اشغالی بودن سرزمین‌ها تأکید دارد، باطل بودن این ادعا را ثابت می‌کند؛ ثانیاً مقررات کنوانسیون‌های ژنو فراتر از دلایل درگیری و انگیزه‌های طرفین در جنگ است. کنوانسیون ژنو قواعدی را در مورد رفتار با غیرنظامیان و... وضع نموده و به‌کارگیری سلاح‌هایی را در جنگ‌ها منع کرده است و این امر صرفنظر از دلایل طرفین برای جنگ است.^(۲۸)

۲. **سرزمین مورد اختلاف:** اسرائیلی‌ها در ادعای دیگر، غزه و سایر اراضی فلسطینی را سرزمین‌های مورد اختلاف می‌دانند.^(۲۹) مناخم بگین در مذاکرات خود با انورسادات به این دلیل استناد کرد ولی طرف عربی نپذیرفت؛ پس از آن دنبال آن بودند که طرف مصری را به این امر راضی کنند که ادعای اسرائیلی‌ها مساوی ادعای

اردنی‌ها و مصری‌ها است.^(۳۰) روشن است همچنان که در بند قبلی اشاره شد، دلایل و انگیزه‌های طرفین نمی‌تواند مانع اعمال قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه شود.

۳. عدم مشروعیت حاکمیت قبلی: یکی دیگر از دلایل اسرائیلی‌ها برای فرار از تعهدات حقوق بشر دوستانه، استناد به نظریه موسوم به «از دست دادن حق رجوع»^(۳۱) بوده است. این استدلال ابتدا از سوی یهودا بلوم یکی از اساتید دانشگاه هبرو اعلام شد ولی جز چند اسرائیلی در جهان مورد پذیرش واقع نشد. مبنای این استدلال آنست که ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌ها از دولت‌های متعاقد سخن گفته و هدف از اعمال کنوانسیون، حمایت از حقوق حاکم مشروع خلع ید شده است ولی مصر و اردن حاکمان مشروعی پیش از ۱۹۶۷ نبودند و لذا نمی‌تواند این کنوانسیون در این سرزمین‌ها اعمال شود. آنها در تفسیر منحصر به فرد خود، عدم اجرای مفاد کنوانسیون‌های ژنو را به عدم مشروعیت حاکمیت قبلی این مناطق نسبت داده‌اند. روشن است که مقررات کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ بر حمایت از مردم تحت اشغال تأکید دارد و نه حاکمیت شکست خورده و حاکمان آن و بنابراین استناد به عدم مشروعیت حاکمان قبلی توجیه مناسب و حقوقی برای اعمال رژیم صهیونیستی نیست. به عبارت دیگر حاکمیت در مفهوم اشغال مسلحانه در سرزمین اشغال شده از آن مردم است.^(۳۲) در طول سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ کشورهای مصر و اردن نوار غزه و کرانه باختری رود اردن را نیز به اشغال در آورده و تصرف این سرزمین‌ها هرچند با مجوز اتحادیه عرب باشد، مانع از اعمال قواعد حقوق بشردوستانه توسط آن کشورها و یا هر متصرف بعدی نمی‌شود.^(۳۳)

۴. جنگ و تصرف دفاعی: تصرف دفاعی یا جنگ دفاعی، یکی دیگر از دلایل رژیم صهیونیستی برای سرباز زدن از وظایف و تعهدات کنوانسیون‌های بین‌المللی است و مبنای دیگر نظریه از دست دادن حق رجوع بود. نظریه پردازان اسرائیلی اعلام کردند، تصرف این سرزمین‌ها در اثر جنگی دفاعی صورت گرفته و اقدام اسرائیل «تصرف دفاعی»^(۳۴) محسوب می‌شود؛ و لذا این رژیم را نمی‌توان اشغالگر نامید و در نتیجه کنوانسیون قابل اعمال نیست. این استدلال‌ها نه تنها در بیرون اسرائیل بلکه حتی در درون اسرائیل هم پذیرش نداشته است؛^(۳۵) از جمله می‌توان به رد این استدلال توسط پدram دنیستین استاد دانشگاه تل‌آویو اشاره کرد؛ همچنان که پروفیسور

توماس مایسون استاد دانشگاه جورج واشنگتن در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در مخالفتی پرسروصدا به رد این نظریه پرداخت.^(۳۶)

۵. **عدم تصویب قوانین داخلی:** استناد به عدم تصویب قوانین داخلی و «خوداجرایی»^(۳۷) نبودن کنوانسیون‌ها یکی دیگر از دلایل اسرائیلی‌ها برای فرار از اجرای مفاد کنوانسیون‌های ژنو بوده است. در حالی که اولاً به اعتقاد بسیاری از حقوق دانان این قواعد عرفی است و دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش ماه مه ۱۹۹۳ خود در مورد دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق حقوق مندرج در کنوانسیون‌های ژنو را بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی آورده است. ثانیاً ماده ۲۷ کنوانسیون وین، عدم اجرای تعهدات توسط یک طرف معاهده به دلیل عدم تصویب قوانین داخلی و یا سایر موانع را مردود می‌شمارد. استناد به عدم تصویب قوانین داخلی و خوداجرایی نبودن کنوانسیون چهارم که رژیم صهیونیستی در ۱۹۵۱/۷/۶ بدان پیوسته است و امره بودن قواعد آن برطبق تعریفی که ماده ۵۳ معاهده وین از این‌گونه معاهدات بین‌المللی دارد نمی‌تواند دلایل مناسبی برای اقدامات رژیم صهیونیستی در این مناطق باشند.^(۳۸)

۶. **توافق‌نامه‌های صلح:** رژیم صهیونیستی سعی دارد با استناد به توافق‌نامه‌های صلح اسلو از تعهدات خود بر طبق کنوانسیون‌های ژنو در مورد این مناطق سر باز زند.^(۳۹) در حالی که توافق‌نامه‌های فوق نمی‌تواند مانع از اعمال مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه شود^(۴۰) و در صورت وجود تعارض بین این مقررات و توافق‌نامه‌ها برطبق ماده ۵۲ معاهده وین^(۴۱) هر توافق به عمل آمده برخلاف قواعد امره بین‌المللی باطل است. در نوار غزه از دیدگاه حقوق بین‌الملل دولتی مستقر نیست و توافق‌نامه‌های صلح حداکثر خودمختاری محدودی را به ساکنان داده است و این امر مانع از وصف اشغالی بودن این سرزمین نیست. بر این اساس استناد به توافق‌نامه‌های صلح و یا خودمختاری، صفت اشغالی بودن این سرزمین‌ها را سلب نمی‌کند و توجیه مناسبی برای مجازات دسته‌جمعی اعمال شده از سوی رژیم صهیونیستی محسوب نمی‌شود. برطبق قواعد کنوانسیون‌های ۱۹۰۷ لاهه و ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ اقدامات رژیم صهیونیستی نقض مقررات فوق محسوب می‌شود.^(۴۲)

۷. **عقب‌نشینی یک‌جانبه از غزه:** رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۵ و تحت فشار به صورت یک‌جانبه از غزه عقب‌نشینی کرد. اسرائیلی‌ها بدنبال آن هستند با

این اقدام از مسئولیت‌های خود بر طبق حقوق بین‌الملل شانه خالی کنند؛ در حالی که عقب‌نشینی یک جانبه و استمرار مداخله و هجوم و در دست داشتن امنیت و محاصره هوایی و دریایی و زمینی غزه مانع از منتفی شدن مسئولیت این رژیم در برابر ساکنان آن است؛ جدای از آنکه رفتار رژیم صهیونیستی نسبت به مردم غزه فی‌نفسه موضوعیت داشته و نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود. نماینده اسرائیل در سازمان ملل پس از عقب‌نشینی یک‌جانبه گفته است، «انتقادهای این سازمان از اسرائیل دیگر کم می‌شود» و غزه دیگر در حوزه مسئولیت اسرائیل نیست.^(۴۳) حقوق بین‌الملل این نظر را نمی‌پذیرد.^(۴۴) نوار غزه براساس معیارهای حقوق بین‌الملل اشغالی است و «کنترل مؤثر»^(۴۵) به عنوان مبنایی که در دادگاه نورنبرگ در سال ۱۹۴۶ به عنوان معیار اشغالی بودن سرزمین مورد توجه واقع شد، یکی از این دلایل است. اسرائیل علی‌رغم عقب‌نشینی از داخل غزه همچنان از زمین، هوا و دریا دارای کنترل مؤثر بر نوار غزه است.^(۴۶)

۸. بازگشایی گذرگاه رفح: در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۸ مردم غزه که بر اثر بسته‌شدن تمامی گذرگاه‌ها به ستوه آمده بودند با حمله به دیوار مرزی در غزه و ویران کردن آن به آن سوی مرز رفتند و مایحتاج خود را تأمین کردند؛ در طول روزهای محدودی که این مرز باز بود نزدیک ۷۵۰۰۰۰ نفر از مردم غزه به رفح مصری رفتند و توانستند تا حدودی نیازهای خود را تأمین کنند.^(۴۷) این تحول ممکن است این تردید را برانگیزد که صفت اشغالی بودن نوار غزه از بین رفته است؛ مسئولان اسرائیلی از این فرصت استفاده کردند و غزه را مسئولیتی مصری نامیدند؛^(۴۸) صرف‌نظر از نادرست بودن این ادعا، حقوقدانان جهان چنین برداشتی را صحیح نمی‌دانند و غزه را همچنان اشغالی دانسته و اسرائیل را مسئول اعمال قواعد حقوق بشردوستانه در آن می‌شناسند.^(۴۹)

۹. دفاع مشروع: مقابله با شلیک موشک به شهرک‌های صهیونیست‌نشین و دفاع از نفس به عنوان دلیل حملات و رفتار رژیم صهیونیستی اعلام شده است.^(۵۰) استدلال اسرائیل در دفاع از نفس و تأیید این اظهارات توسط جورج بوش از حیث حقوقی باطل و فاقد ارزش است؛ دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی خود در مورد دیوار حایل ادعای اسرائیل در این مورد را باطل اعلام کرد و افزود با وجود کنترل مؤثر بر سرزمین اشغالی امکان استناد به دفاع از نفس وجود ندارد.^(۵۱) از سوی دیگر

کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس سال ۱۹۸۰ خویش راجع به مسئولیت و هم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوا اظهار داشته‌اند که دفاع مشروع تنها علیه یک دولت قابل اعمال است و نه علیه بازیگران غیردولتی. دیوان در این قضیه به طور خاص به این مطلب پرداخت، اما شاختر بر این اعتقاد است که چنین استنباطی از رأی دیوان، استنباطی صحیح خواهد بود. کمیسیون در شرح و تفسیر خویش بر پیش‌نویس طرح ۱۹۸۰ خود اظهار داشت که دفاع مشروع تنها علیه دولتی که به طریق غیرقانونی به زور متوسل شده قابل اعمال است. از این رو به اعتقاد شاختر، هم کمیسیون و هم دیوان رابطه‌ای میان عملیات فراسرزمینی علیه گروه‌های مسلح و اصل دفاع مشروع نمی‌بینند و هیچ دلیلی مبنی بر اینکه دولت‌ها در آن زمان موضعی متفاوت اتخاذ کرده باشند، وجود ندارد.^(۵۲) در نتیجه شاختر استدلال می‌کند که حدود قانونی دفاع مشروع در دو وضعیتی که تروریست‌ها در قلمرو دولت دیگر فعالیت می‌کنند مانع توسل به زور است، یکی هنگامی که دولت آن کشور در حملات انجام شده از سوی تروریست‌ها نقش عمده‌ای نداشته است و دیگری زمانی که یک تهدید شدید تروریستی هنوز به یک حمله مسلحانه در چارچوب ماده ۵۱ منشور تبدیل نشده است. این نقطه شروع استدلال شاختر است که می‌گوید، عذر ضرورت در این موارد قابل استناد است؛ نظریه مشورتی دیوان در قضیه ساخت دیوار در خصوص این ادعا که ماده ۵۱ منشور ملل متحد اقدام نظامی دفاعی علیه بازیگران غیردولتی را می‌پذیرد تردیدهایی ایجاد می‌کند. دیوان در بند ۱۳۹ رای خویش اظهار داشت: ماده ۵۱ حق ذاتی دفاع مشروع را در موارد حمله مسلحانه «از سوی یک دولت علیه دولت دیگر» می‌پذیرد. در عین حال دیوان در جمله بعد این موضع مطلق را با تفکیک وضعیت اسرائیل/ فلسطین از وضعیت افغانستان تعدیل کرد. با توجه به اشاره مختصر و ماهیتاً مبهم دیوان در این قضیه به دفاع مشروع به نظر می‌رسد که بپذیریم این آخرین حرف راجع به استناد به حق دفاع مشروع در مواجهه با بازیگران غیردولتی نیست.^(۵۳) جیمی کارتر رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۱-۱۹۷۷) در سفر خود به منطقه، با اشاره به محاصره یک‌ساله نوار غزه، وضعیت انسانی در این باریکه را فاجعه‌آمیز خواند و با اشاره به نامتوازن بودن قدرت نظامی دو طرف درگیری در غزه اعلام کرد: کشتن افراد بیگناه به هر صورتی که باشد اقدامی تروریستی است و نمی‌توان آن را «دفاع از خود» نامید.^(۵۴)

۱۰. **دفاع اجتناب‌ناپذیر و مبارزه با تروریسم:** یکی از دلایل اسرائیل برای هجوم به غزه «دفاع اجتناب‌ناپذیر»^(۵۵) در مبارزه با تروریسم است. «دفاع اجتناب‌ناپذیر» در توسل به زور علیه تروریست‌ها یا پایگاه‌های تروریستی مورد استناد قرار گرفته است. اگر دفاع مشروع بتواند عملیات نظامی علیه تروریست‌ها و حامیان آنها را در برگیرد در آن صورت نیازی به استناد به دفاع اجتناب‌ناپذیر نیست. دفاع اجتناب‌ناپذیر نکته سودمندی را به این چارچوب حقوقی نمی‌افزاید. کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار داشته که همان شرایط سخت و دقیق دفاع مشروع برای استناد به اجتناب‌ناپذیری نیز لازم است. این دفاع تنها وقتی قابل استناد است که یک خطر شدید و قریب‌الوقوع وجود دارد و توسل به زور تنها شیوه مقابله با این خطر است. چنین خطری نمی‌تواند صرفاً احتمالی یا خیالی باشد بلکه باید بر مبنای شواهد معقول موجود، در زمان تصمیم قابل اثبات باشد. منافی است که قرار است مورد حمایت قرار گیرد نه تنها باید از منظر دولت اقدام‌کننده بلکه براساس ارزیابی معقول منافع گوناگون، خواه جمعی یا فردی، بر دیگر ملاحظات اولویت داشته باشد.^(۵۶)

۱۱. **نوار غزه؛ «کیان دشمن»:** رژیم صهیونیستی در اقدامی تازه در ۲۰ - ۹ - ۲۰۰۷، نوار غزه را «کیان دشمن» خواند.^(۵۷) این اصطلاح در حقوق و روابط بین‌الملل وجود ندارد. خانم رایس وزیر خارجه امریکا در اقدامی هماهنگ حماس را دشمن خواند. فرار از توصیف «دولت» برای دولت حماس در غزه این رژیم را به «کیان دشمن» خواندن غزه سوق داد.^(۵۸) معنای این واژه آنست که ۱/۵ میلیون فلسطینی ساکن غزه دشمن اسرائیل هستند و این رژیم می‌تواند هر اقدام خصمانه‌ای را بر علیه آنها به عمل آورد،^(۵۹) درحالی‌که صرف‌نظر از نادرست بودن آن، اینگونه توصیفات کمترین حقی را برای بکار برنده آن ایجاد نمی‌کند.^(۶۰) عبدالله اشعل^(۶۱) و میلودالمهدبی^(۶۲) عبارت سرزمین دشمن را خزعلاتی می‌دانند که فاقد وصف قانونی در حقوق بین‌الملل است. در حقوق بین‌الملل ممکن است، دولتی اعلام نماید با دولت دیگری در حال جنگ است و دولت دوم را دولت دشمن معرفی کند ولی اینکه سرزمینی، که اتفاقاً تحت اشغال نیز هست، دشمن تلقی شود، اصطلاح بدیعی است که هیچ‌گونه و جاهت قانونی ندارد.^(۶۳) از سوی دیگر این سرزمین جزئی از سرزمین فلسطین است و هرگز این سرزمین از کرانه باختری جدا نشده است؛ قانون اساسی

فلسطین بر این امر تأکید دارد. همچنین حاکمیت مصر بر غزه و اردن بر کرانه باختری در طول سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷، به جدایی این سرزمین منتهی نشد؛ بنابراین چگونه بخشی از یک سرزمین دشمن و بخش دیگر آن غیر دشمن تلقی می‌شود؟^(۶۴)

مسئولیت رعایت حقوق مردم تحت اشغال

حقوق بشر دوستانه، مزایایی را برای فلسطینی‌ها و تکالیف و تعهداتی را برای اسرائیل مقرر می‌دارد؛ بدون تردید از زمان اشغال سرزمینهای فلسطینی، قواعد متعدد حقوق بشردوستانه بر وضعیت فعلی قابل اعمالند و بر این اساس دو دسته قواعد نه چندان مجزا، حقوق و مزایایی را برای فلسطینی‌ها و تعهدات و تکالیفی را برای اسرائیل در نظر می‌گیرند: دسته اول، قواعدی که به طور کلی در مورد سرزمین‌های اشغالی کاربرد دارند؛ و قواعدی که بر منازعه مسلحانه حاکم است. قواعدی که در زمینه اشغال خصمانه، قابل اعمال تلقی می‌شوند و به «حقوق اشغال»^(۶۵) اشتهار دارند، به طور عمده در کنوانسیون چهارم ژنو مندرج است که علاوه بر تکالیف اشغالگر در مورد تهیه و تأمین امکانات رفاهی، بهداشتی و پزشکی حاوی ممنوعیتهای مهمی است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود: آدم‌کشی عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت؛ نفی بلد یا انتقال غیرقانونی؛ توقیف غیرقانونی؛ محرومیت از حق دادرسی منظم و بی طرفانه؛ گروگان‌گیری؛ تخریب یا تصرف اموال بدون هیچ‌گونه ضرورت نظامی؛ ممنوعیت مجازات دسته جمعی، ایجاد ترس، تروریسم، غارت اموال و قصاص؛ انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده؛ ممنوعیت انتقال یا نقل مکان قسمتی از نفوس کشور خود به اراضی اشغالی؛ و انهدام اموال منقول یا غیرمنقول شخصی، دولتی یا شرکت‌های عمومی. علاوه بر آن، دولت‌ها موظفند عاملان و آمران اعمال ممنوعه در ماده ۱۴۷ را محاکمه و به مجازات برسانند. الحاق سرزمین، تصرف و حاکمیت بر آن از طریق زور، نه تنها به دلیل غیر قانونی بودن ممنوع است، بلکه به طور خاص، براساس حقوق عرفی و مقررات حقوق قراردادی، نامشروع است و سایر دولت‌ها نیز از شناسایی این‌گونه ضمیمه‌کردن‌ها منع شده‌اند. در این راستا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ماده یازده معاهده عدم تجاوز ریودژانیرو ۱۹۳۳؛ ماده یازده کنوانسیون اروپایی حقوق و تکالیف دولت‌ها ۱۹۳۳؛ ماده ۵ منشور سازمان دولت‌های آمریکایی

۱۹۴۸؛ اعلامیه ۱۹۳۸ کنفرانس پان آمریکن در «لیما» راجع به عدم شناسایی الحاق سرزمین به دست آمده از طریق زور؛ قطعنامه روابط دوستانه ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ که در چارچوب اصل ممنوعیت توسل به زور اعلام می‌کند: «سرزمین هیچ‌یک از دولت‌ها نمی‌تواند هدف تصرف و الحاق از طریق تهدید یا استفاده از زور از سوی دولتی دیگر قرار گیرد»؛ ماده ۵۲ کنوانسیون حقوق معاهدات وین که براساس آن حتی الحاق سرزمین مبتنی بر معاهده نیز نامعتبر شناخته می‌شود و قطعنامه تعریف تجاوز، علاوه بر مقررات کلی فوق، نهادهای مختلف بین‌المللی نیز به طور خاص رفتار اسرائیل در تصرف و الحاق سرزمین‌های فلسطینی‌ها را غیرقانونی اعلام کرده و خواستار بازگرداندن وضعیت سابق شده‌اند. از جمله، قطعنامه ۲۵۲ (۱۹۶۸) شورای امنیت است که «الحاق سرزمین از طریق نظامی را نامعتبر» اعلام کرده، بیان می‌کند: «همه اقدامات اجرایی و حقوقی اسرائیل، از جمله مصادره زمین‌ها و اموال که از رهگذر آنها وضعیت حقوقی قدس تغییر می‌یابد، نامعتبر است» و از اسرائیل می‌خواهد که «بی‌درنگ همه آن اقدامات را لغو کند و هر گونه فعالیتی از این دست را متوقف سازد.» شورای امنیت در قطعنامه ۴۷۸ اعلام قدس به عنوان پایتخت توسط اسرائیل را نقض حقوق بین‌الملل دانسته و بر اعمال مقررات کنوانسیون چهارم ژنو هیچ تأثیری نمی‌گذارد. شورای وزیران اتحادیه اروپایی نیز در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ در اعلامیه‌های خود «اکتساب سرزمین از طریق زور را غیر قابل قبول می‌دانند و حاکمیت اسرائیل بر آنها را نامشروع» اعلام می‌کنند. بطور خلاصه می‌توان گفت براساس حقوق بین‌الملل، حقوق متعددی برای مردم تحت اشغال به رسمیت شناخته شده است. از جمله می‌توان به حق مقاومت و دفاع مشروع (ماده ۵۱ منشور ملل متحد) و همچنین حق تعیین سرنوشت و حق تضمین حقوق بشر اشاره کرد.^(۶۶)

مسئولیت نیروهای اشغالگر: اسرائیل در برخورد با ساکنان و اتباع آن سرزمین، چه به‌طور کلی و چه در جریان اعاده و حفظ نظم و امنیت در برابر بروز ناآرامی‌ها، از منظر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشردوستانه دارای تکالیف و تعهداتی است که هیچ بهانه‌ای، عدول و سرپیچی از آنها را توجیه نمی‌کند و بر اساس آنها، نه تنها در برابر ساکنان بومی، بلکه در قبال جامعه بین‌المللی نیز پاسخگو محسوب می‌شود.^(۶۷) اسرائیل به عنوان کیان اشغالگر مسئولیت‌هایی بر طبق حقوق بین‌الملل

دارد.^(۶۸) علاوه بر لزوم رفتار انسانی با کسانی که به طور مستقیم در جنگ شرکت نداشته و همچنین آن دسته از افرادی که سلاحهای خود را بر زمین گذاشته‌اند و یا به دلایلی قادر به ادامه جنگ نیستند، چهار دسته ممنوعیت کلی را بر می‌شمارد که عبارت است از: ممنوعیت لطمه به حیات یا تمامیت جسمانی؛ از جمله قتل با تمام اشکال آن، زخمی کردن، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار، ممنوعیت گروگان‌گیری، ممنوعیت لطمه به حیثیت اشخاص و ممنوعیت اعدام و محکوم کردن افراد بدون حکم دادگاه صالح. مقررات پروتکل اول الحاقی: ممنوعیت هرگونه عمل تلافی‌جویانه علیه افراد و اهداف مورد حمایت (ماده ۲۰)؛ لزوم انجام تفکیک بین غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی از یک سو و اهداف نظامی و نظامیان از سوی دیگر در هنگام حمله (ماده ۴۱)؛ ممنوعیت تهدید یا به‌کارگیری خشونت‌هایی که هدف اصلی آنها اشاعه ترور و وحشت در میان غیرنظامیان است (ماده ۵۱)؛ ممنوعیت حملات غیر قابل تفکیک از جمله هدف بمباران قرار دادن شهرها، روستاها و حملاتی که قاعده تناسب را نقض می‌کند؛ سپر قرار دادن غیرنظامیان (ماده ۵۱)؛ لزوم رعایت اصل تناسب در صورتی که فراتر از نتایج مورد انتظار نظامی باشد (ماده ۴۸)؛ ممنوعیت حمله به اماکن فرهنگی (ماده ۵۳)؛ لزوم انجام احتیاط‌های ممکن، هنگام حمله و دفاع به منظور ایراد کمترین صدمه و آسیب به غیر نظامیان (مواد ۵۷ و ۵۸)؛ مصونیت مکان‌های بی‌دفاع در برابر حمله نظامی (ماده ۵۹). علاوه بر آن، نقض مقررات جنگ نباید بهانه‌ای برای محروم کردن افراد از حقوق مربوط به اسرای جنگی باشد. مقررات پروتکل دوم: ممنوعیت مجازات‌های دسته‌جمعی؛ ممنوعیت اقدامات تروریستی؛ ممنوعیت غارت؛ ممنوعیت تهدید به ارتکاب هر یک از اعمال فوق. افزون بر آن، پروتکل دوم ضمن تکرار ممنوعیت محکومیت و اعدام بدون محاکمه مندرج در ماده سه مشترک کنوانسیون‌های ژنو، برخی تضمین‌های قضایی را بر می‌شمارد که باید هنگام رسیدگی قضایی و مراحل دادرسی رعایت گردد. در تهیه این ماده، اساساً اصول مندرج در کنوانسیون‌های دوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹ - به ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی - مورد توجه قرار گرفته است که تجاوز از ماده پنج آن حتی اگر وضعیت اضطراری تهدید کننده حیات ملت نیز پیش آید، مجاز نیست. به علاوه بر اساس ماده سیزده این پروتکل، حمله مستقیم به افراد و جمعیت‌های غیرنظامی ممنوع است و همچنین هدف حمله قرار دادن جمعیت غیرنظامی و اعمال خشونت‌باری را که

هدف عمده آن، گسترش ترس و وحشت در میان جمعیت غیر نظامی باشد، ممنوع می‌کند. به موجب ماده چهارده به قحطی کشاندن جمعیت غیر نظامی، ممنوع است.^(۶۹)

مسئولیت بین‌المللی: تحولات بنیادین هنجاری و ساختاری در زمینه حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به ویژه آن مواردی که به مرتبه «آمره» و «تعهدات عام‌الشمول جهانی» رسیده‌اند، مؤید این معناست که اجرای هنجارها و نرم‌های مورد نظر به منزله تکلیف اولیه‌ای فرض می‌شود که اصولاً هیچ ارتباطی با جایگاه حقوقی طرفین مناقشه ندارد. اسرائیل در طول سال‌های اشغالگری، به منظور تثبیت و تحکیم پایه‌های خود، همواره مرتکب نقض قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است؛ رفتاری که از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه محکوم است. نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، که به حقوق عرفی تبدیل شده است، در حقیقت اقدامی علیه تمامی بشریت است و لذا جامعه بین‌المللی در مورد این اقدامات مسئولیت خطیری دارد و ضرورت دارد برای جلوگیری از استمرار آن چاره اندیشی کند.

طرح‌های پیشنهادی برای حل اختلافات و اقدامات انجام‌شده

برای حل و فصل اختلاف‌ها و پایان‌دادن به وضع موجود پیشنهادهای متعددی مطرح می‌شود؛ همچنان که نمونه‌هایی در سال‌های متمادی اشغال ارائه شده است ولی اکثریت قریب به اتفاق آنها طرح‌هایی سیاسی است در حالی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه سازوکار خاص خود را برای این‌گونه مسائل دارد. در هر صورت اگرچه همه طرح‌های پیشنهادی طرح‌های حقوقی نیست ولی به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. **صدر قطعنامه توسط شورای امنیت و مجمع عمومی:** شورای امنیت به عنوان اولین مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌الملل وظیفه دارد نسبت به وضع جاری در غزه و بلکه در تمامی فلسطین اشغالی حساس باشد و نقض صلح و امنیت توسط اسرائیل را با حساسیت پیگیری و شجاعانه آنرا محکوم کند؛ ولی در طول سال‌های اخیر با نفوذ ایالات متحده در این سازمان کمتر به این مهم جامه عمل پوشانده است. صرف نظر از این تقصیر، اخطارهای فراوان به رژیم صهیونیستی نتوانسته است مانع از استمرار تجاوزات و اقدامات ناقض عرف و حقوق بین‌الملل توسط این رژیم بشود؛ جنگ‌های

متعدد، اشغال‌گری و آواره کردن مردم بی‌پناه و ساخت شهرک‌های صهیونیست‌نشین و تصاحب و مصادره اراضی و قتل عام و کشتارهای بی‌رحمانه، ترور، شکنجه، زندانی کردن، ساخت دیوار، مجازات‌های دسته‌جمعی نمونه‌هایی از این گونه رفتار ضد حقوق بین‌الملل بویژه حقوق بشردوستانه توسط این رژیم در طول ۶۰ سال گذشته است. این رژیم حتی کنوانسیون‌های لاهه که براساس دیدگاه اکثریت قریب به اتفاق حقوق‌دانان جهان به حقوق بین‌المللی عرفی تبدیل شده است را نادیده گرفته است. متأسفانه قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و معاهدات و کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه و قطعنامه شورای امنیت و مجمع عمومی و دیگر مجامع بین‌المللی نتوانسته مانع ادامه نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط این رژیم بشود و حتی توافق‌نامه‌های امضاء شده بین طرفین فلسطینی و اسرائیلی نیز مانع استمرار این تجاوزها نشده است. مراجع رسمی بین‌المللی و در رأس آنها شورای امنیت به عنوان مهمترین نهاد بین‌المللی که وظیفه اصلی‌اش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است نتوانسته‌اند در چارچوب وظایف خود این رژیم را از ارتکاب این جرایم بازدارند. البته در پی نشست کمیته چهارجانبه صلح، وزرای خارجه عضو شورای امنیت در نشست قطعنامه ۱۸۵۰ را تصویب و بر ادامه روند صلح تأکید کردند. در این قطعنامه آمده است: تنها شالوده یک صلح پایدار می‌تواند تعهد طولانی مدت به رسمیت شناختن دوجانبه، نبود خشونت، تحریک، ترور و راه حل ایجاد دو کشور مستقل فلسطین و اسرائیل باشد. این قطعنامه که به طور مشترک از سوی روسیه و آمریکا ارائه شده بود، با ۱۴ رای مثبت و بدون رای منفی و رأی ممتنع لیبی در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این قطعنامه بیش از توجه به فجایع غزه به دنبال سازوکار جدیدی برای صلح بود و توجهی به صدمات مردم غزه و رفتار و جرایم ضد انسانی اسرائیل نداشت؛ لذا سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد، این قطعنامه را ستود و آن را حمایت از سیاست این رژیم در عدم مذاکره با حماس خواند.^(۷۰)

۲. مداخله بشردوستانه: مداخله بشردوستانه یکی از مهمترین تحولات دوران پس از جنگ سرد، محسوب می‌شود. در گذشته، هرگونه عملیات حفظ صلح سازمان ملل و همچنین اقدامات بین‌المللی صلیب سرخ جهانی، هنگام مناقشات مسلحانه داخلی، اساساً بر مبنای رضایت یا مذاکره و موافقت دولت‌های مورد نظر صورت می‌پذیرفت. اما بر اساس اختیار شورای امنیت در مداخله اجباری در کشورهای دیگر،

بر مبنای فصل هفتم منشور و در پاسخ به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل، این شورا طی چندین سال گذشته قطعنامه‌های مختلفی را صادر کرده و بر مبنای آنها توسل به قوای نظامی به منظور مداخله در امور داخلی کشورها را توجیه و توصیه کرده است. این واژه که به لحاظ ادبی از دو واژه منفک «بشردوستانه» و «مداخله» تشکیل گردیده است به معنی مداخله قهرآمیزی است که عموماً از طریق عملیات نظامی توسط شورای امنیت، گروهی از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی با مجوز شورای امنیت در قلمرو دولت دیگر و در جهت حفظ و حمایت از جان و حقوق اساسی و بنیادین افراد موجود در قلمرو آن دولت، صورت می‌گیرد.^(۷۱) از دیدگاه حقوق بین‌الملل مداخله شامل دخالت دو یا چند کشور در دولت دیگر است، که به تناسب نوع واقعه منجر به توسل به زور می‌گردد. این امر که به منظور حفظ یا تغییر نظام موجود یا وادار نمودن کشور مذکور به انجام رفتاری مشخص صورت می‌گیرد از نظر حقوق بین‌الملل امری ناپسند و غیرمشروع تلقی می‌گردد. اما آنچه که سبب مشروعیت این مداخله می‌شود، واژه «بشردوستانه» با مفهومی اخلاقی و ارزشی است که اگرچه تاکنون هیچ تعریفی از آن به عمل نیامده است، اما می‌توان گفت که این اصطلاحی است مربوط به نگرانی از نقض‌های مهم و بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا انکار برخی از حقوق اساسی بشر، حقوقی که مربوط به اجابت نیازهای حیاتی انسان به ویژه حق حیات و صیانت در مقابل رفتار بی‌رحمانه و اعمال غیر انسانی است. بنابراین مداخله بشردوستانه زمانی رخ می‌دهد که دولتی حقوق اولیه و اساسی بشر را به طور عمده، وسیع و مداوم نقض کرده باشد، به طوری که این نقض، وجدان بشریت را جریحه‌دار ساخته باشد.^(۷۲) مداخله بشردوستانه اگرچه از آغاز با هدف و غایتی بشردوستانه انجام شد؛ ولی در عمل بر مبنای منافع ملی دولت‌ها ادامه یافت. به بیان دیگر دولت‌ها برای انجام آن به صیانت نفس و حمایت از بشریت استناد کردند اما واقعیت این بود که این امر توجیهی در جهت پنهان کردن منافع حیاتی آنها قلمداد گردید و حمایت از بشریت صرفاً نمایی ظاهری برای سرپوش گذاشتن بر مقاصد غیرقانونی آنها بود.^(۷۳) بررسی نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد در اغلب موارد انگیزه مداخله، ملاحظات سیاسی کشورهای مداخله‌گر بوده و کشورها بیشتر در جهت پیشبرد منافع سیاسی خود اقدام به مداخله نموده‌اند؛ این مداخله‌ها کمتر برای جلوگیری از نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صورت گرفته

است.^(۷۴) در این راستا یکی از مهمترین طرح‌ها، اعزام نیروهای کشورهای عربی به غزه می‌باشد. این طرح که با استقبال صهیونیست‌ها همراه بود بسیار قابل تأمل است. از مهمترین پیامدهای استقرار نیروهای کشورهای عربی، تبدیل مبارزه فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی به جنگ اعراب با فلسطینیان است. بویژه اینکه پیش از این نیز اسرائیل با طرح آمدن ناتو و نیروهای اروپایی به غزه برای اجرای چنین طرحی فعالیت می‌کرد. حضور نظامی اعراب در غزه به منزله تعیین مرزها میان فلسطینیان و اراضی اشغالی است که تأیید کنند اشغالگری خواهد بود. اسرائیلی‌ها بر آنند تا با واگذاری امور غزه به نیروهای عربی از یک سو مسئولیت خود را به عنوان اشغالگر در قبال فلسطینیان نادیده بگیرند و به توسعه طلبی در کرانه باختری و قدس پردازند.^(۷۵)

۳. طرح آتش‌بس حماس: یکی دیگر از راه‌حل‌های ارائه شده در هفته‌های اخیر طرح آتش‌بسی است که به دنبال دیدار جیمی کارتر از منطقه و ملاقات با خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس مطرح شد؛ مشعل اعلام کرد: حماس آماده آتش‌بس ۱۰ ساله با اسرائیل است، مشروط بر آنکه این رژیم از تمامی اراضی اشغال شده سال ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کرده و بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت کشور مستقل فلسطین به رسمیت بشناسد. این قرارداد منوط به اجرای حق بازگشت آوارگان فلسطینی و از بین رفتن شهرک‌های یهودی‌نشین است ولی در هر صورت حماس اسرائیل را به رسمیت نخواهد شناخت. کارتر در سفر خود به منطقه خاورمیانه، با اشاره به محاصره یک‌ساله نوار غزه، وضعیت انسانی در این باریکه را فاجعه‌آمیز خواند و تنها راه‌حل این بحران را آتش‌بسی دانست که در آن هم طرف فلسطینی از شلیک موشک به شهرک‌های یهودی‌نشین دست بردارد و هم طرف اسرائیلی متعهد شود که به فلسطینی‌ها حمله نکند و نسبت به باز شدن گذرگاه‌ها تضمین دهد.^(۷۶) خالد مشعل با پیشنهاد کارتر مبنی بر اعلام آتش‌بس یک طرفه از سوی حماس به مدت ۳۰ روز مخالفت کرد، زیرا این جنبش طی چند سال گذشته بارها اعلام آتش‌بس کرد، اما اسرائیل به آن پایبند نماند و همواره آن را نقض کرد. وی افزود هدف حماس از هرگونه آتش‌بس متقابل با رژیم صهیونیستی حمایت از ملت فلسطین، لغو محاصره نوار غزه، گشودن گذرگاه‌ها و پایان بخشیدن به تجاوزات این رژیم است.^(۷۷) کارتر درباره پیشنهاد آتش‌بس یک ماهه بین حماس و اسرائیل گفت: حماس با این آتش‌بس مخالفت کرد و آن را منوط به فراگیر بودن آتش‌بس در غزه و کرانه باختری می‌داند. صرف نظر از آنکه آتش‌بس یک‌جانبه را

حماس نمی‌پذیرد و آتش‌بس متقابل را اسرائیل نمی‌پذیرد، به نظر می‌رسد اگر چه طرح آتش‌بس متقابل از حیث حقوق بشردوستانه مطلوب است ولی نمی‌تواند راه حلی ریشه‌ای محسوب شود.

۴. ارسال کمک‌های بشردوستانه: ارسال کمک‌های بشردوستانه به فلسطین و کمک به مردم تحت اشغال و ستم یکی از اقدامات مثبت جهانی است و کشورهای عرب و مسلمان و تمامی کشورهای جهان می‌توانند این کمک‌ها را به مردم فلسطین ارسال نمایند؛ ولی صرف‌نظر از اینکه ارسال این کمک‌ها در مرحله فعلی (به دلیل بسته‌بودن تمامی گذرگاه‌های غزه)، امکان‌پذیر نیست، مشکل را به صورت ریشه‌ای حل نخواهد کرد. علاوه بر آن باید گفت مسئولیت بین‌المللی برطبق حقوق بین‌الملل و بویژه حقوق بشردوستانه فراتر از ارسال کمک‌های دارویی و غذایی است.

۵. اقدامات مردمی در فلسطین و جهان: مردم فلسطین و مردم جهان می‌توانند برای جلوگیری از نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اقدام نمایند. در فلسطین، جنبش حماس اعلام کرد: برای شکستن محاصره از هر گزینه‌ای استفاده خواهد کرد. حماس از مصر درخواست کرد برای بازکردن فوری گذرگاه رفح اقدام نماید. به نظر می‌رسد، مجامع بین‌المللی بویژه سازمان صلیب سرخ و هلال احمر به‌عنوان بازوان اجرایی برای اجرای مقررات حقوق بشردوستانه می‌توانند بهترین گزینه در این خصوص باشند. این اقدامات می‌توانند در جلوگیری از استمرار و گسترش نقض قواعد حقوق بین‌الملل، (بویژه اگر محدود به کشور های منطقه نباشد) مفید باشد؛ ولی در هر صورت مخالفت‌های مردمی کافی نیست و نمی‌تواند جایگزین مسئولیت‌های دولت‌های جهان در اجرای تعهدات عرفی و قراردادی کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد.

۶. طرح همه‌پرسی فراگیر: جمهوری اسلامی ایران برای پایان دادن به بحران شصت ساله طرحی ارائه داده و بر مبنای آن خواستار حل و فصل موضوع فلسطین از طریق مراجعه به آرای عمومی همه فلسطینیان داخل و خارج، مسلمان، مسیحی و یهودی شده است. بر مبنای این طرح همه مسائل فلسطین از طریق نظرخواهی از مردم فلسطین و با آرای آنان حل و فصل خواهد شد. این طرح البته نه تنها ویژه غزه نیست، بلکه ویژه سرزمین‌های ۶۷ نیز نیست وکل موضوع را مدنظر قرار می‌دهد. به نظر

می‌رسد این طرح علاوه بر پایان دادن به جنگ، اشغال، محاصره و... مبنایی عادلانه برای حل و فصل است. تا زمانی که اشغال و اشغالگری وجود دارد، مشکلات مردم فلسطین نیز ادامه دارد؛ اقدامات پیش گفته اگر چه مقبول و بلکه در وضعیت فعلی ضروری است ولی عمل به مفاد اساسی حقوق بین‌الملل و بویژه از نوع بشردوستانه آن نیست و به حل ریشه‌ای مشکل کمکی نخواهد کرد. صرفاً پایان یافتن اشغال می‌تواند به این وضع پایان دهد. زیرا اگر چه برخی از این طرح‌ها دارای مبانی حقوقی هستند ولی اصولاً طرح‌های مطروحه فعلی، طرح‌هایی سیاسی هستند و ساز و کارهای حقوق بشردوستانه را نادیده گرفته و یا در طراحی آن جنبه‌های سیاسی غلبه دارد. در هر حال ضررکنندگان اصلی و مستقیم، از استمرار این وضع مردم فلسطین و بویژه اهالی غزه هستند هر چند نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اقدامی علیه تمامی بشریت است.

نتیجه

به نظر می‌رسد در اشغال بودن سرزمین غزه تردیدی نباشد؛ همچنان که وظیفه دولت اشغالگر در دور نمودن غیرنظامیان از هرگونه اقدام تجاوزگرانه روشن است و این سرزمین یکی از مصادیق روشن اعمال قواعد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بویژه کنوانسیون چهارم است. همچنان که رفتار رژیم صهیونیستی در طول سال‌های ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ برطبق حقوق بین‌الملل محکوم است و خروج یک‌جانبه شارون و برچیدن شهرک‌های صهیونیست‌نشین از این منطقه اگر چه تحت فشار مقاومت بود ولی گامی به جلو محسوب می‌شود. به دلیل نداشتن کنترل مؤثر دولت فلسطین و محاصره زمینی، دریایی و هوایی این سرزمین تحت اشغال و مسئولیت‌های اشغالگر (اسرائیل) همچنان باقی است و لذا نقض تعهدات کنوانسیون‌های ژنو جنایت جنگی محسوب شده و عاملان آن قابل مجازات هستند. تجاوز رژیم صهیونیستی و نقض مقررات فوق در ۲۰۰۸/۱۲/۲۷ به اوج خود رسید. این رژیم مسئول تمامی اقدامات فوق بوده و تمسک به دفاع مشروع و سایر ادعاها، فاقد مبنای حقوقی است.

یادداشت‌ها

۱. نیلوفر قدیری، روزنامه - همشهری - به نقل از سایت PINR

http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1384/840623/world/_siasatw.htm

2. international humanitarian law (IHL).

۳. هنری دونان سوئسی در سال ۱۸۵۹ پس از مشاهده جنگی خونین بین فرانسه و اتریش در محلی به نام سولفرینو، تحت تاثیر قرار گرفت و با نگارش «خاطرات سولفرینو»، پیشنهاد تصویب یک معاهده بین‌المللی برای کاهش خشونت در جنگ‌ها را ارائه داد. لذا از سال ۱۸۶۴ که کنوانسیون ژنو به تصویب رسید تا کنون دهها کنوانسیون در این باره به تصویب رسیده است. اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸ و کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه پیرامون عرف‌های جنگ زمینی و تطبیق اصول کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ بر جنگ‌های دریایی و کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی و کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه و پروتکل ۲۰۱ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ برای حمایت از قربانیان در تمامی جنگ‌ها در سال ۱۹۷۷ و کنوانسیون منع یا محدودیت استفاده از سلاح‌های خاص معاهده ۱۹۸۰ و کنوانسیون منع تکمیل، تولید، ذخیره‌سازی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودسازی آنها و کنوانسیون منع ذخیره‌سازی، تولید و تجارت مین‌های ضد نفر و منع استفاده و نابودسازی آنها در سال ۱۹۹۷ و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک در مورد کودکان سرباز در سال ۲۰۰۰ برخی از این معاهدات هستند.

http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1382/820813/infor/_igoona.htm

از عجایب روزگار آنست که هنری دونان سوئسی در اولین کنگره صهیونیسم که در سال ۱۸۹۷ در شهر بال سوئیس برگزار شد، شرکت کرد و تئودور هرتزل برای اولین بار اصطلاح صهیونیست مسیحی را در توصیف وی به کار گرفت.

۴. حقوق جنگ شامل مجموعه اصول و قواعدی است که حاکم بر روابط میان کشورهای متخاصم با یکدیگر و یا میان کشورهای متخاصم با کشورهای بی‌طرف می‌باشد. به محض آغاز جنگ، بدون توجه به چگونگی شروع آن، کشورهای متخاصم دیگر تابع حقوق زمان صلح نیستند، بلکه از حقوق جنگ تبعیت خواهند نمود؛ چه این حقوق عرفی باشد، چه قراردادی. کشورهای ثالث (یعنی کشورهای ی که در مخاصمه شرکت ندارند)، خواه حقوق جنگ را مراعات نمایند یا خیر، روابط خود را

با کشورهای متخاصم تابع حقوق زمان صلح نمیسازند؛ بلکه از آن پس از حقوق بیطرفی تبعیت می‌نمایند».

(<http://www.irbar.com/content/view/1114/113/>)

5. self-determination

6. <http://www.bashgah.net/pages-6212.html>

۷. محمود دهقانی، حماس در نبردی دیگر، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، تاریخ: ۱۳۸۵/۱/۲۸.

۸. گذرگاه‌های غزه عبارتند از: گذرگاه رفح و گذرگاه المنطار (کارنی) و گذرگاه بیت حانون (اریز) و گذرگاه صوفا التجاری و گذرگاه کرم أبوسالم التجاری (کیرم شالوم) و گذرگاه ناحل عوز.

۹. قدیری، نیلوفر، روزنامه - همشهری - به نقل از سایت PINR

http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1384/840623/world/_siasatw.htm

۱۰. محسن خزائی، جنگ اقتصادی در نوار غزه روزنامه - ایران

<http://www.bashgah.net/pages-14504.html>

۱۱. روزنامه الحیاء، لندن، ۲۰۰۶/۳/۲۵.

12. <http://www.omidnews.ir/d.asp?id=29744>

۱۳. این توافق شامل چهار بند بود: ۱. تحریم ریختن خون فلسطینی‌ها و تکیه بر گفتگو به عنوان تنها راه حل. ۲. تشکیل دولت وحدت ملی و تسریع اتخاذ اقدامات قانونی در این زمینه. ۳. اصلاح سازمان آزادی‌بخش فلسطین و تسریع در فعالیت‌های کمیته مقدماتی با استناد به توافق قاهره و دمشق. ۴. مشارکت سیاسی فتح و حماس طبق اصول همیشگی در حکومت فلسطین براساس نظام چند حزبی سیاسی. حماس و فتح برای جبران بی‌اعتمادی، پست‌های کلیدی کابینه را به شخصیت‌های مستقل و میانه‌رو سپردند. در تقسیم قدرتی که بین دو طرف صورت گرفت، وزارت خارجه به زیاد ابوعمره، وزارت دارایی به سلام فیاض، وزارت اطلاع‌رسانی به مصطفی برغوثی و وزارت کشور به هانی القواسمی رسید.

(<http://www.arabs48.com/display.x?cid=7&sid=25&id=43532>)

14. <http://www.aljazeera.net/4/10/2007>

۱۵. مرکز آمار فلسطین اعلام کرده ۸۴ درصد خانواده‌های ساکن نوار غزه زیر خط فقر به سر می‌برند، ۵۳ درصد از این خانواده‌ها به دلیل ناتوانی تشکیلات خودگردان فلسطین در پرداخت دستمزدهای کارکنان بخش عمومی بیش از نیمی از درآمد خود را در طول سال گذشته از دست داده‌اند. طبق برآورد بانک جهانی ۷۱ درصد کارکنان بخش عمومی به دلیل عدم دریافت دستمزدهای خود به زیر خط فقر رفته‌اند و ۴۶ درصد آنها غذای کافی برای سیرکردن خود ندارند. این در حالی است که حمایت حامیان مالی خارجی فلسطین موجب

شده میزان فقر مردم نوار غزه تا مارس ۲۰۰۶، ۳۰ درصد کاهش یابد. ولی از زمان تسلط حماس حمایت‌های مالی قطع شد. (محسن خزائی، جنگ اقتصادی در نوار غزه، روزنامه‌ایران).
<http://www.bashgah.net/pages-14504.html>

۱۶. برای اطلاع بیشتر پیرامون محاصره مردم غزه و وضعیت آنها به گزارش مرکز فلسطینی حقوق بشر مراجعه کنید:

PALESTINIAN CENTRE FOR HUMAN RIGHTS www.pchrgaza.org

17. <http://www.bultannews.com/pages/?cid=7562>

18. <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=58589>

19. <http://magiran.com/npview.asp?ID=1768792>

۲۰. روزنامه اعتماد، دوشنبه، ۹ دی ۱۳۸۷ - شماره ۱۸۵۵

21. Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," The Observer, June 20, 2004.

<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>

۲۲. در قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت در سال ۱۹۶۷ کرانه باختری رود اردن و غزه اشغالی خوانده شده است.

United Nations Security Council Resolution 242

U.S. State Department Country Report on Israel and the Occupied Territories, 2003, released February 25, 2004, available at <<http://www.state.gov/g/drl/rls/hrrpt/2003/27929.htm#occterr>>, last checked June 27, 2004 (United Nations Security Council resolution 1544 (2004), (United Nations General Assembly resolution 58/292 (2004) Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," The Observer, June 20, 2004. (<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>)

۲۳. در جولای ۲۰۰۴ دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد کرانه باختری رود اردن از جمله بیت المقدس شرقی تحت اشغال است؛ این سند ۳۷ مرتبه بر اشغالی بودن کرانه باختری رود اردن از جمله بیت المقدس شرقی تاکید داشت:

International Court of Justice, Advisory Opinion, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 74-78 (2004) Declaration of Judge Buergenthal to the Advisory Opinion, 2 (2004).

"Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," The Observer, June 20, 2004. (<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>)

۲۴. در مورد اشغالی بودن سرزمین‌های فلسطینی از دیدگاه دیوان عالی آمریکا مراجعه کنید:
Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," The Observer, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>)

۲۵. إبراهيم شعبان، محاضر في القانون في جامعة القدس. قطاع غزة: إقليم محتل

<http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&IdLanguage=17>

26. <http://www.jcpa.org/JCPA/Templates/ShowPage.asp?DBID=1&LNGLD=1&TMID=111&FID=443&PID=0&IID=2037>

27. <http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763>

۲۸. ستار عزیز، کنوانسیون چهارم ژنو و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، برگردان مقاله

آردی‌آمسیر در مجله حقوق بین‌الملل دانشگاه هاروارد، شماره ۴۴، سال ۲۰۰۳

<http://internationallaw.blogfa.com/post-32.aspx>

۲۹. إبراهيم شعبان، محاضر في القانون في جامعة القدس. قطاع غزة: إقليم محتل

<http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&IdLanguage=17>

30. <http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763>

31. Issing Reversioner

۳۲. در مورد جنگ دفاعی و اولویت حاکمیت اسرائیل بر مصر و اردن مراجعه کنید به: مئیر

شمعار، مشاور حقوقی موشه دابان وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی و همچنین رئیس

دادگاه عالی اسرائیل:

<http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763>

33. <http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>

34. Defensive Conquest.

35. Ardi Imseis, On the Fourth Geneva Convention and the Occupied Palestinian Territory, 44 Harvard Int'l L.J. 65, 79-84 (2003)

UNITED NATIONS CHARTER, Chapter 1, Article 2, Paragraph 4 (1945)

Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," The Observer, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>)

۳۶. ستار عزیز، کنوانسیون چهارم ژنو و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، برگردان مقاله آردی

آمسیر در مجله حقوق بین‌الملل دانشگاه هاروارد، شماره ۴۴، سال ۲۰۰۳.

<http://internationallaw.blogfa.com/post-32.aspx>

37. Self - executive

۳۸. ستار عزیز، کنوانسیون چهارم ژنو و سرزمین‌های اشغالی فلسطین، برگردان مقاله آردی

آمسیر در مجله حقوق بین‌الملل دانشگاه هاروارد، شماره ۴۴، سال ۲۰۰۳.

<http://internationallaw.blogfa.com/post-32.aspx>

39. <http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763>

40. The International Court of Justice, the Israeli Supreme Court, the United Nations and the international community, have all held that Israel occupies the Palestinian Territories even after the signing of the Oslo Accords. Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," *The Observer*, June 20, 2004.

(<http://www.amin.org/look/amin/en.tpl?IdLanguage=1&IdPublication=7&NrArticle=14374&NrIssue=1&NrSection=3>)

۴۱. طبق ماده ۵۲ کنوانسیون وین، «معاهده‌ای که با تهدید یا استفاده از زور در نقض اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور سازمان ملل متحد انعقاد یافته است، باطل می‌باشد». مجمع عمومی در سال ۱۹۷۴ قطعنامه شماره ۳۳۱۴ را، تحت عنوان «قطعنامه تعریف تجاوز» به اتفاق آرا تصویب کرد. در این قطعنامه، تجاوز عبارت است از به کارگیری زور به صورت مسلحانه توسط یک دولت علیه حاکمیت یا تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر نحو دیگر که با اهداف سازمان ملل متحد ناسازگار باشد. (سید نصر الله ابراهیمی، تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل).

(http://www.majlesekhobregan.ir/fa/publications/mags/is_gv/magazines/05/29.htm)

42. <http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&IdLanguage=17>

۴۳. نیلوفر قدیری، روزنامه - همشهری - به نقل از سایت PNR

http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1384/840623/world/_siasatw.htm

44. <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=842>

45. Effective Control

46. Tim Llewellyn, "The Story T.V. News Won't Tell," *The Observer*, June 20, 2004.

<http://www.amin.org/look/amin/en.tp?IdLanguage=1&Idpublication=7&NrArticle=14374&NrIssu=1&NrSection=3>

47. <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=2240>

۴۸. بلافاصله پس از فروریختن دیوار رفح اسرائیل اعلام کرد: غزه هم اکنون در مسئولیت مصر قرار دارد.

(<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=2240>)

49. <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=2240>

50. Abraham Bell Published January 2008 Vol. 7, No. 29 28 January 2008

<http://www.jcpa.org/JCPA/Templates/ShowPage.asp?DBID=1&LNGID=1&TMID=111&FID=378&PID=0&IID=2021>

۵۱. رجوع کنید: د. انیس فوزی قاسم:

<http://www.tulkrm.net/modules.php?name=News&file=article&sid=3763>

۵۲. برای مطالعه شرایط دفاع مشروط مراجعه کنید به :

http://www.majlesekhobregan.ir/fa/publications/mags/is_gv/magazines/029/05.htm

۵۳. دفاع «اجتناب‌ناپذیر» در گفتمان حقوق بین‌الملل: مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم، ایان جانستون، علیرضا ابراهیم گل،

Ian Johnstone, The Plea of “Necessity” in International Legal Discourse: Humanitarian Intervention and Counter – Terrorism, Columbia Journal of Transnational Law, Vol. 43, No. 2, 2005, PP. 377-388.

<http://www.iranbar.org/pmm1998.php#40>

54. <http://www.pajouheshmag.ir/npview.asp?ID=1604249>

55. The Plea of “Necessity”.

۵۶. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Gabacikovo-Nagymaros (۱۹۹۷) و در رأی مشورتی در قضیه «ساخت دیوار» (۲۰۰۴) اظهار داشت که دفاع «اجتناب‌ناپذیر» در حقوق بین‌الملل وجود دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در آگوست ۲۰۰۱ پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت دولت از بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی را تصویب کرد. یکی از مواد آن به ضرورت به‌عنوان «شرایطی که می‌تواند متخلفانه بودن یک فعل را مستثنی کند» اشاره دارد. مجمع عمومی در همان سال این پیش‌نویس را جهت مطالعه برای دولت‌ها ارسال کرد. «دفاع «اجتناب‌ناپذیر» در گفتمان حقوق بین‌الملل: مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم - ایان جانستون - علیرضا ابراهیم گل،

Ian Johnstone, The Plea of “Necessity” in International Legal Discourse: Humanitarian Intervention and Counter – Terrorism, Columbia Journal of Transnational Law, Vol.43, No.2, 2005, pp.377-388.

<http://www.iranbar.org/pmm1998.php#40>)

۵۷. ابراهیم شعبان، محاضر فی القانون فی جامعه القدس. قطاع غزة: إقليم محتل

<http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&IdLanguage=17>

۵۸. الحياه الجديدة، ۲۰۰۷/۱۱/۲۰

<http://www.alzaytouna.net/arabic/?c=201&a=54262>

59. <http://www.guardian.co.uk/world/2007/sep/20/israel1>

60. <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=842>

۶۱. استاد حقوق بین‌الملل و معاون وزیر خارجه مصر.

۶۲. استاد حقوق بین‌الملل .

۶۳. ابراهیم شعبان، محاضر فی القانون فی جامعه القدس. قطاع غزة: إقليم محتل

<http://www.amin.org/look/amin/article.tpl?IdPublication=7&NrIssue=1&NrSection=2&NrArticle=42454&IdLanguage=17>

۶۴. الحياه الجديده، ۲۰۰۷/۱۱/۲۰.

<http://www.alzaytouna.net/arabic/?c=201&a=54262>

65. Article 42 of the Hague Regulations.

(http://en.wikipedia.org/wiki/Military_occupation)

66. <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=1131>

67. <http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=842>

68. Article 55 IVGC and Article 56 IVGC.

(<http://www.diakonia.se/sa/node.asp?node=946>)

69. Roland Otto Neighbours as Human Shields? The Israel Defense Forces, "Early Warning Procedure" and International Humanitarian Law RICR December 2004, Vol. 86. No. 856.

70. <http://magiran.com/npview.asp?=1768792>

۷۱. برای اطلاع بیشتر ر ک:

Orakhelashvili, Alexander, "Legal Aspects of Global and Regional International Security the Institutional Background, NATO EAPC Research Fellowship program (1998-2001)", May 2000, pp. 55-56, Available at:

<http://www.nato.int/acad/fellow/00-98/orakhelashvili.pdf>

۷۲. زینب رشیدی‌نژاد، موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوق بین‌الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره سی‌وهفتم، ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۶۳.

۷۳. محمدتقی کروبی، دکترین مداخله بشردوستانه در پرتو حقوق بشر هزاره سوم، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۱ و ۱۲، پیاپی، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۸۱-۱۸۰.

۷۴. مداخله فرانسه و روسیه برای پایان دادن به جنگ‌های یونان و ترکیه سال ۱۸۲۷ و فرانسه به‌منظور کمک به مارونی‌های لبنان، سال ۱۸۶۱ و در ارمنستان برای کمک به ارمنی‌ها، سال ۱۸۹۶ و به نفع یهودیان روسی، سال ۱۹۰۲ و دولت‌های اروپایی برای حمایت از مسیحیان بوسنی و بلغارستان، سال‌های ۱۸۷۷-۱۸۷۸ و هند در پاکستان شرقی برای نجات مردم بنگال، سال ۱۹۷۱ و تانزانیا در اوگاندا در ژانویه سال ۱۹۷۹ و ویتنام در کامبوج برای پایان دادن به جنایت‌های خمرهای سرخ، سال ۱۹۷۸ و در عراق براساس قطعنامه ۶۸۸ برای ایجاد منطقه امن در شمال این کشور برای حمایت از کردهای آن، سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ و صدور قطعنامه ۷۷۰ برای مداخله به دلیل پاکسازی قومی در بوسنی، آوریل ۱۹۹۲ و مداخله در سومالی و صدور قطعنامه ۷۹۴ شورای امنیت، سال ۱۹۹۲ و ناتو در کوزوو در ۲۴ مارس ۱۹۹۱ در پی صدور قطعنامه در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۸ و اعزام نیروهای حافظ صلح برای ایجاد مناطق امن در رواندا در پی قطعنامه‌های ۸۷۲ و ۹۲۵ شورای امنیت، ۸ ژوئن ۱۹۹۴ و مداخله فرانسه در رواندا برای ایجاد مناطق امن در این کشور براساس قطعنامه ۹۲۹ به دلیل کشتار

غیرنظامیان و اعزام نیرو به سیرالئون برای محاکمه نقض‌کنندگان حقوق بشردوستانه، ۱۰ مارس ۲۰۰۴، نمونه‌هایی از مداخله بشردوستانه است.

<http://www.mehrdel.blogfa.com/post-4.aspx>

75. <http://hodhod.blogfa.com/8701.aspx>

76. <http://www.pajouheshmag.ir/npview.asp?ID=1604249>

77. http://www.aftab.ir/news/2008/feb/02/cic1201961504_politics_world_khaled_Mashal.php